

پیشنهادات جبهه ملی ایران به هیئت حاکمه جمهوری اسلامی

هموطنان عزیز، ملت شرافتمند ایران،

عمل کرد حکومت جمهوری اسلامی در این مدت چهل سال به گونه ای بوده که اکنون این حکومت به جبر تاریخ در معرض از هم گسیختگی و فروپاشی قرار گرفته است. این حکومت با سوء رفتارها، ضعف مدیریتها، سیاست های نادرست داخلی و خارجی بدور از در نظر گرفتن منافع ملی، و فساد گسترده ی اغلب کارگزارانش، خود را به طور کلی از اعتبار و مشروعیت ساقط کرده و میرود تا با اعمال ناصحیح خود، بر حیات خویش نقطه پایان بگذارد. این حاکمیت در روزهای انقلاب با وعده برقراری آزادی و استقلال و عدالت و با شعار «نه شرقی نه غربی» براریکه قدرت نشست و سکان اداره امور این کشور که هرسال با تمدن باستانی کم نظیر در جهان را به دست گرفت. اما از همان روزهای نخست با اعدام های بدون محاکمه ی عادلانه و سرکوب هر آنکس که جدا از حاکمیت می اندیشید و با انحصارطلبی روزافزون، به عیان به همگان نشان داد که رفتارش تا چه اندازه با آزادی و عدالت فاصله دارد. اقدام خلاف عرف و اخلاق و خلاف قواعد بین المللی اشغال سفارت آمریکا و حرکت خفت بار گروگانگیری موجب مسدود شدن میلیاردها دلار از اموال کشورمان و زمینه ساز حمله عراق به ایران و آن جنگ ویرانگر هشت ساله با آن همه خسارات جانی و مالی برای این ملت گردید. جنگی که با اندکی درایت و عقلانیت به یقین قابل پیشگیری بود. اشغال سفارت آمریکا و گروگان گیری آمریکائیان سبب دشمنی بیهوده ای بین دو کشور گردید که تا کنون نیز ادامه دارد و در نتیجه این خصومت، ملت ایران میلیاردها دلار خسارت مالی متحمل شده و از دسترسی به موقعیتها و امکانات سیاسی و اقتصادی فراوانی محروم گشته است. فهرستی از دیگر رفتارهای نادرست حاکمیت برخاسته از انقلاب بدون هیچگونه سیاه نمایی و اغراق گویی بدین شرح است. عدم رعایت

آزادی های اساسی ملت مانند آزادی احزاب، آزادی مطبوعات و آزادی انتخابات، ماجرای ترورهای خارج از کشور، قتل های زنجیره ای نفرت انگیز در داخل، اعدام های چند هزار نفره سال ۶۷، کشتار مردم معترض در انتخابات سال ۸۸ که با معیارهای خود حاکمیت انجام شده بود و وقایع اسفبار زندان کهریزک در متعاقب آن، کشتار دیمه ۹۶ در خیابان های یکصد شهر کشور، خودکشی هادر زندان ها، به هدر دادن میلیاردها دلار از سرمایه های کشور در پروژه هسته ای و سپس تعطیل برنامه ها با فشار و مخالفت جامعه جهانی، دخالت در مناقشات کشورهای منطقه به دور از منافع ملی و تحمیل هزینه های هنگفت ناشی از این دخالت ها بر کرده ملت مظلوم ایران، عدول از سیاست «نه شرقی نه غربی» و کوتاه آمدن از استیفای حقوق مسلم ایران از دریای مازندران در مقابل روسیه، عدم اقدام قانونی برای دریافت غرامت جنگ از دولت متجاوز عراق، تصمیم گیری های نادرست و غیر کارشناسانه در مدیریت آب و محیط زیست، عدم توجه به علم و دانشمندان کشور و فراری دادن مغزها، هزینه کردن منابع مالی کشور در نهاد های ایدئولوژیک به جای بردن این منابع در پروژه های عمرانی و بالا بردن تولید و ایجاد کار آفرینی، ایجاد شرایط بیکاری گسترده، گرانی، تورم، اعتیاد و فقر عمومی مردم همراه با مفاسد رنگارنگ اقتصادی و اجتماعی.

هموطنان عزیز، ملت شرافتمند ایران،

حدود سه سال قبل وقتی مذاکرات جمهوری اسلامی با گروه کشورهای ۵ + ۱ به نتیجه رسید و توافقی تحت نام برجام صورت پذیرفت، مردم ایران امیدوار شدند که با انجام این توافق اموال مسدود شده آنان آزاد شده و نیز با ورود سرمایه های خارجی به کشور، از تنگناهای معیشتی و مضایق اقتصادی رهایی می یابند و بیکاری و فقر از جامعه ایران رخت بر مینندد و گام های بعدی برای بهبود روابط با جامعه جهانی برداشته خواهد شد. اما از یک سو

هیئت مذاکره کننده جمهوری اسلامی برای برداشتن قدم های بعدی به شدت بر حذر داشته شد و از سوی دیگر موشک های شاعر نوپسی شده به آسمان پرتاب شد. با این پیام که هم دولت مدعی تعدیل اوضاع و هم ملت ایران بدانند که چیزی عوض نشده و در بر همان پاشنه قبلی می چرخد. و نتیجتاً یک فرصت طلایی و تاریخی دیگر سوزانده شد و برجام آنگونه که باید و انتظار می رفت به فرجامی نرسید و بهانه های لازم برای خروج دولت جدید آمریکا از برجام هم فراهم گردید. و متأسفانه در مقابل این رفتارهای ناصحیح، هیچگونه عکس العملی از سوی دولت مدعی داشتن کلید راه حل مشکلات کشور به ظهور نرسید و اکنون میهن ما مجدداً زیر تیغ تهدیدهای جدید برای دور تازه ای از تحریم های فلج کننده قرار گرفته است. و هنوز تحریم ها آغاز نشده، ارزش پول ملی مابه سرعت و در ظرف چند روز در برابر ارزهای معتبر جهانی به نصف تقلیل یافته و غول گرانی و تورم و فقر و بیکاری رو به تزايد و لجام گسیخته در دوری جدید به ملت ما چنگ و دندان نشان میدهد. در چنین دورانی پرتنش و با وجود بحران های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی که در جامعه ایران هویداست و با دور نمای تیره و تار و نامشخصی که در مقابل کشور است، جای تعجب و تاسف بسیار است که سیاست حاکمیت جمهوری اسلامی همچنان کوبیدن بر طبل سرکوب و خشونت و ایجاد اختناق است. و جامعه ایران را از شنیدن نظرات میهن دوستان مستقل و دلسوزان ملک محروم می نماید. اینگونه بر خورد ها با میلیون و آزاد یخواهان در حالی صورت می گیرد که برخی از جریان های وابسته و پرورش یافته در آستین قدرت های بیگانه که از وجنات آنان چیزی جز جنس دیگری از دیکتاتوری مشهود نیست، با داشتن تمام امکانات رسانه ای و حمایت های همه جانبه برای جانیشینی حاکمیت به بن بست رسیده خیز برداشته اند.